

Research Article

doi: [10.71633/jshsp.2025.1032434](https://doi.org/10.71633/jshsp.2025.1032434)

Comparative Study of Quality of Life Indicators of Nomads in Summer Quarters and Winter Quarters of Tribe Bakhtiari (Case Study: Nomads of Lali County)

Zahra Soltani^{1*}, Majid Goodarzi² & Sadegh Soleimani Babadi³

1. Assistant Professor of Geography & Rural Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Associate Professor of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

3. M.A in Geography & Rural Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

* Corresponding author: Email: z.soltani@scu.ac.ir

Receive Date: 17 July 2023

Accept Date: 20 September 2023

ABSTRACT

Introduction: Today, improving the quality of life is a central planning goal in every country. So, first of all, an accurate and comprehensive understanding of the status quo of the quality of life should be done. It can be done only based on a systematic approach.

Research Aim: This research aims to investigate the indicators of the quality of life of the nomads of Lali County in Yaylak and Kishlak.

Methodology: This applied study employed a descriptive-analytical method. The statistical population consisted of the nomads of Lali County. The sample size, calculated using Cochran's formula, included 322 individuals. The research theoretical data was collected using the library technique through existing books and articles, and the field data was collected using a researcher-made questionnaire. Descriptive statistics (mean, standard deviation, mode, median) and inferential statistics (one-sample t-test) were employed to analyze the data.

Studied Area: The research covers the Yaylak and Kishlak nomadic areas of Lali County.

Results: The results of the one-sample t-test show that the average value obtained from the economic index in Kishlak and Yaylak regions is 1.88 and 1.49, respectively; the social indicator in Kishlak is 2.43, and in Yaylak is 2.16; physical indicator in Kishlak is 1.99 and in Yaylak is 2.20; environmental indicator in Kishlak is 2.07 and in Yaylak is 1.98, which are lower than the hypothetical mean value 3. It indicates that the mentioned indicators did not have a positive effect on the quality of life of the Bakhtiari nomads of Lali County.

Conclusion: Nomadic life is one of the oldest lifestyles in different regions of the world and Iran; its continuity throughout history has experienced various ups and downs under the influence of economic, social, natural, and primarily political issues to the extent that sometimes the developments of this society have brought a turning point in the developments of Iran. Accordingly, presenting plans and programs regarding nomads requires deep scientific research and studies to provide appropriate strategies that cause minor damage.

KEYWORDS: Quality of Life, Nomads, Summer Quarters, Winter Quarters, Lali County



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۹، شماره ۴ (پیاپی ۶۹)، زمستان ۱۴۰۳
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iurasht.ac.ir>

صص. ۹۷-۱۱۶

doi: 10.71633/jshsp.2025.1032434

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی عشایر در ییلاق و قشلاق ایل بختیاری (مطالعه موردی: عشایر شهرستان لالی)

زهراسلطانی^{۱*}، مجید گودرزی^۲ و صادق سلیمانی بابادی^۳

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

* نویسنده مسئول: Email: z.soltani@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۶ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: امروزه بهبود کیفیت زندگی، یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌ها در هر کشور است. برای این منظور در وهله اول باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضعیت موجود کیفیت زندگی به عمل آید که این امر بر اساس یک نگرش نظام‌مند امکان‌پذیر خواهد بود.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی عشایر شهرستان لالی در ییلاق و قشلاق می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش انجام، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را عشایر شهرستان لالی تشکیل می‌دهند و حجم نمونه که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید، ۳۲۲ نمونه مشخص شده است. داده‌های نظری پژوهش به روش کتابخانه‌ای از طریق کتب موجود و مقالات جمع‌آوری شد و اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، مد، میانه) و آمار استنباطی (تی تک نمونه‌ای) مبادرت شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، مناطق ییلاق و قشلاق عشایر شهرستان لالی می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که مقدار میانگین به‌دست‌آمده از شاخص اقتصادی در مناطق قشلاق و ییلاق به ترتیب برابر است با (۱/۸۸) و (۱/۴۹)، شاخص اجتماعی در قشلاق (۲/۴۳) و در ییلاق (۲/۱۶)، شاخص کالبدی در قشلاق (۱/۹۹) و در ییلاق (۲/۲۰)، شاخص زیست‌محیطی در قشلاق (۲/۰۷) و در ییلاق (۱/۹۸) که نسبت به میانگین فرض صفر (۳) پایین‌تر است که نشان‌دهنده این است که شاخص‌های مذکور تأثیر مثبتی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی نداشته است.

نتایج: زندگی کوچ‌نشینی از قدیمی‌ترین شیوه‌های زندگی در مناطق مختلف جهان و ایران است و تداوم آن در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های مختلفی را تحت تأثیر مسائل اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و به‌ویژه سیاسی تجربه کرده است. تا آنجا که گاهاً تحولات این جامعه نقطه عطفی در تحولات کشور را به همراه داشته است؛ بدین ترتیب ارائه هرگونه طرح و برنامه در خصوص عشایر نیازمند بررسی و مطالعات عمیق علمی است؛ تا بتوان راهبردهای مناسبی که کمترین آسیب را وارد نماید، ارائه داد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، عشایر، ییلاق، قشلاق، شهرستان لالی

مقدمه

همه انسان‌ها از آغاز حیات در تلاش برای ارتقاء کیفیت زندگی خود بوده‌اند، اما در دوران معاصر، کیفیت زندگی به موضوع مطالعه دانشمندان تبدیل شده است. آن‌ها به این واقعیت پی برده‌اند که آینده جامعه در گرو شناسایی عواملی است که بر شرایط زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵)؛ که محققان از سال ۱۹۳۰ میلادی، شاخه‌های مختلف علمی آن را مطالعه کرده و هر کدام سنجه‌های موردنظر خود را با توجه به نواحی مختلف جغرافیایی ارائه داده‌اند که ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ انستیتو تحقیقات اجتماعی در دانشگاه میشیگان و مرکز نظرسنجی شیکاگو کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار دادند؛ اما این سنجش‌ها قبل از دهه ۱۹۷۰ بر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی متمرکز بوده که در دهه ۱۹۷۰ به شاخص‌های ذهنی برای سنجش آن اضافه شده‌اند و توجه دانش جغرافیا به این مفهوم به اواخر دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد که توسط جغرافیادانی نظیر اسمیت و هاروی وارد این علم گردید (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲). اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که آینده بشر در گرو عواملی خواهد بود که بر کیفیت زندگی تأثیرگذار هستند. در نتیجه کیفیت زندگی مفهومی نسبی، چندوجهی و متأثر از زمان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که طیف وسیعی از شاخص‌ها، از تغذیه و پوشاک تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط طبیعی پیرامون را شامل می‌شود. کیفیت زندگی هر فرد وابسته است به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی که او از این عوامل و نیز از خویشتن دارد؛ بنابراین، شاخص تعیین‌کننده پیشرفت یک اجتماع، کیفیت زندگی است که دربرگیرنده مهم‌ترین عواملی است که بیانگر چگونگی زیست افراد در یک جامعه و رفاه شخصی افراد است (سنایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۵۰) و هم به معنای داشتن زندگی خوب و احساس رضایت از آن است و می‌توان میزان واقعی رفاه افراد و گروه‌ها را تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی، کیفیت زندگی نامید (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۶) که از یک سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر ابعاد ذهنی و درونی دارد و اصولاً با وضعیت جمعیت در مقیاس جغرافیایی مشخص (مانند روستا، شهر، یا کشور) ارتباط دارد و از این رو هم به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم به شاخص‌های عینی و کمی متکی است. بنابراین، بدیهی است که تمامی مطالعات کیفیت زندگی در قالب دو سرفصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی انجام شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴). پس به‌طور کلی کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در یک جامعه بکار می‌رود و دارای وجهه ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

در این راستا زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به‌عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۳)؛ به‌طوری‌که میزان تولیدات و فعالیت‌های اقتصادی آنان قابل توجه بوده و از اهمیت بسیار بالایی در صنعت دام‌پروری زیر بخش دام کوچک کشور برخوردار است. عشایر با در اختیار داشتن بیش از ۲۴ میلیون واحد دامی و ۳۸ درصد مراتع کشور، بیش از ۲۰ درصد گوشت قرمز، ۵ درصد از محصولات کشاورزی و ۳۵ درصد از صنایع دستی کشور و همچنین مقادیر قابل توجهی از سایر محصولات دامی و لبنی را تولید می‌کنند. این حجم از تولیدات نشان‌دهنده توانمندی عشایر در به حرکت درآوردن چرخه اقتصاد کشور است که می‌تواند فرصت‌های بسیاری در افزایش تولیدات محصولات دام کوچک کشور ایجاد کند. دستیابی به این فرصت‌های باارزش نیازمند فراهم آوردن زیرساخت‌ها و در اختیار قرار دادن شرایط و ملزومات آن برای جامعه عشایری است (سنایی مقدم و محمدی یگانه، ۱۳۹۶: ۸۴). این جوامع به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن و سطح نامطلوب زندگی، وضعیت نابسامان اقتصادی، سطح پایین دانش و تحصیلات و ... دارای مشکلات عدیده و نیازمند توجه و شناخت هرچه بیشتر است. بعلاوه کانون‌های اسکان در بیلاق و قشلاق نیز با چالش‌های فراوانی (اجرایی نشدن برنامه‌ها، عدم سرمایه‌گذاری، فقدان کاربری‌های موردنیاز در واحد مسکونی، اشتغال، مهاجرت و ...) مواجه بوده است. همچنین بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی تهیه و اجرا شده در کشور نشان می‌دهد که باوجود توانایی‌های جامعه عشایری، کمتر برنامه‌ای در هماهنگی با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و میزان نیازهای این جامعه تدوین و اجرا شده است و بر این اساس، از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه و دسترسی به خدمات، میان این جامعه و جوامع شهری و روستایی شکاف بزرگی وجود دارد (صیدایی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). از این رو مطالعات کیفیت زندگی و شاخص‌های آن می‌تواند به شناسایی حوزه‌های مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های مردم در زندگی، تأثیر عوامل اجتماعی جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند و در نتیجه مطالعات شاخص‌های کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی

سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی جامعه (شهر، روستا، عشایر) کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران جامعه به‌منظور ارتقای کیفیت زندگی افراد را تسهیل سازد.

در این میان یکی از قطب‌های عشایر ایران را ایل بختیاری در جنوب غربی ایران تشکیل می‌دهد. یکی از ایل‌های پرجمعیت و دارای نفوذ گسترده سیاسی - اقتصادی در جنوب غربی کشور و در واقع بزرگ‌ترین ایل کشور محسوب می‌شود که در محدوده جغرافیایی شامل شمال و شرق استان خوزستان، قسمتی از استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری و اصفهان سکونت دارند و به‌عنوان پرجمعیت‌ترین جامعه عشایر کشور، یکی از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی محسوب می‌شوند که ساختار قدرت و سازمان اجتماعی تعریف‌شده‌ای را در بین سایر ایلات و عشایر ایران دارد. عشایر منطقه لالی از طوایف چهار لنگ و هفت لنگ ایل بختیاری هستند و دارای حدود ۳ هزار و ۵۰۰ خانوار عشایری با بیش از ۳۰۰ هزار رأس دام می‌باشد؛ لذا این جامعه عشایری در کشور واقعیتی اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی - فرهنگی می‌باشند و در پیکره جامعه ملی، عضوی پرکار به شمار می‌رود به‌گونه‌ای که هرچند نسبت جمعیت عشایر کمتر از شهرها و روستاهاست اما تأثیر اقتصادی و اجتماعی و نقش دفاعی آن انکارناپذیر است. بی‌گمان این جامعه عشایری از میراث‌های گران‌قدر و بایسته ایران‌زمین است که چندین برابر نسبت جمعیتی خود (بیش از ده برابر) در تهیه مواد پروتئینی، به‌ویژه گوشت قرمز نقش دارد؛ بنابراین بررسی شاخص‌ها و سنجش کیفیت زندگی در نواحی قشلاق و ییلاق عشایر لالی و اولویت‌بندی صحیح و منطقی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا سنجش کیفیت زندگی عشایر مورد مطالعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی اقدامی مهم و ضروری است که با بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی می‌تواند به‌عنوان ابزاری نیرومند جهت نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه در جامعه استفاده شود و به برنامه ریزان برای نظارت بر اجتماع، ارزیابی اثربخشی و کارایی سیاست‌ها و برنامه‌های فعلی و تدوین برنامه‌های جدید کمک کند؛ زیرا ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و سلامت جامعه را دربرمی‌گیرد و بستر لازم را در جهت بهبود کیفیت زندگی عشایر شهرستان مذکور فراهم می‌کند. پس با عنایت به اهمیت کیفیت زندگی و شاخص‌های مربوطه در ییلاق و قشلاق، چهار بعد اصلی مبین کیفیت زندگی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) مشخص و شاخص‌های هر کدام به همراه مؤلفه‌ها ارائه می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی عشایر شهرستان لالی در ییلاق و قشلاق تدوین شده است.

دهقانی و عادل (۱۳۹۴) در پژوهشی با موضوع سنجش و ارزیابی معیارهای پایداری در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری در استان‌های فارس و اصفهان) پرداختند و نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که بعد اقتصادی با ضریب $0/۶۴۵$ بیشترین تأثیر را بر پایداری کانون‌های اسکان داشته است. همچنین بر اساس نتایج حاصل شده از مدل تاپسیس کانون‌های دشت بکان، با بالاترین امتیاز در شاخص‌های اقتصادی $0/۷۳۵$ و محیطی $0/۵۹۰$ و کانون گل‌افشان، با بالاترین امتیاز $0/۷۱۸$ در شاخص‌های اجتماعی به‌عنوان برخوردارترین کانون و دشت لار با پایین‌ترین سطح برخورداری، در رتبه آخر قرار دارد. نوروزی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته (مطالعه موردی: شهرستان کوهرنگ) پرداخته‌اند که یافته‌های تحقیق بیانگر تفاوت قابل توجه بین دو گروه در شاخص‌های اجتماعی مانند مشارکت، آموزش، امنیت اجتماعی، بهداشت و درمان است؛ بر این وجود به لحاظ شاخص‌های اقتصادی از جمله درآمد، مالکیت، اشتغال، میزان تولید و... تقریباً مشابه همدیگر هستند و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه اسکان یافته و اسکان نیافته وجود ندارد. سنایی و محمدی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به تحلیل جغرافیایی نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی خانوارهای عشایری کهگیلویه و بویراحمد پرداخته نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی خانوارهای عشایر رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، وجود مشارکت اجتماعی که در غالب مراسم‌های مختلف انجام می‌شود مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی مؤثر بر کیفیت زندگی خانوارهای عشایر می‌باشد. امینی و روز فراخ (۱۳۹۷) در تحقیقی با موضوع ارزیابی پیامدهای اسکان جامعه عشایری شهرستان بویراحمد در کانون‌های دشت روم پرداخته که نتایج نشان می‌دهد سیاست اسکان با بیش از ۱۵ سال سابقه در منطقه دشت روم، در ارتقای بهره‌وری و تحول در اقتصاد و معیشت زندگی عشایری موفقیت چشمگیری نداشته و باعث رانش نسبی ساختارهای اقتصادی از بخش‌های تولیدی به مشاغل دیگر شده است، هرچند بین چهار کانون مورد مطالعه به لحاظ شدت و گستره تغییرات و پیامدهای بررسی شده تفاوت‌هایی وجود دارد. پاکرا و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان مطالعه تطبیقی توسعه پایدار مناطق عشایری کشور از منظر قواعد حقوقی و برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و نتایج بیانگر آن است که باوجود قوانین مترقی همچون اصل پنجاهم قانون اساسی، قواعد حقوقی فعلی، برای ارتقای متوازن شاخص‌های توسعه انسانی، محیط زیستی و اقتصادی در مناطق عشایری ناتوان هستند. حیدری (۱۳۹۹) در پژوهشی با

عنوان تحلیلی در شیوه زندگی و تأثیر آن در نظام سکونتگاهی آن‌ها در طول مسیر کوچ و قرارگاه‌های تابستانه و زمستانه مطالعه موردی عشایر بویراحمد پرداخت که اسکان عشایر در قرارگاه‌های تابستانه و زمستانه، تأکید بر سطوح مختلف قلمرو به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل در شکل‌دهی به‌نظام کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های عشایری، مطرح می‌باشد. این مفهوم در دو بعد عینی و ذهنی قابل بررسی است که در بعد عینی، محدوده تحت مالکیت خانوارهای عشایری را شامل می‌شود و در بعد ذهنی، سطوحی از قلمرو خصوصی، نیمه عمومی و عمومی به‌واسطه نوع چیدمان فضایی سیاه‌چادرها در قرارگاه سکونتی مدنظر قرار دارد.

در پژوهش‌های خارجی در مورد کیفیت زندگی: گراتی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با موضوع کیفیت زندگی در مناطق روستایی کرواسی برای ماندن یا ترک آن که کیفیت زندگی در مناطق ماندن یا ترک روستا را بررسی کردند. نتایج نشان دادند که زندگی روستایی کروات روستایی مشکلات عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، طبیعت، فرصت‌های شغلی، حرفه و شغل مناسب و درآمد در مقایسه با شهر دارد، که باعث مهاجرت و ترک روستا و در نتیجه آثار نامطلوب ناشی از شهرنشینی بیش‌ازحد می‌شود. لوئر و لوئر (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی» که مهم‌ترین مسائل اجتماعی را شرح داده‌اند که بازتاب‌دهنده کیفیت زندگی در جوامع امروزی است. بیشتر تأکید آن‌ها روی مسائل خرد دامنه‌ای مشکلات اجتماعی‌اند که متوجه فرد هستند و در این میان به تفاوت‌های جنسیتی، جنایت و بزهکاری، انحرافات، فقر و تبعیض نژادی اشاره می‌شود که بر کیفیت زندگی بیشترین تأثیر را دارد. یمو (۲۰۱۶) در کتاب خود با عنوان «دانش روزمره، آموزش و آینده پایدار» به بحث جهانی شدن و تغییرات اجتماعی به‌ویژه سبک و کیفیت زندگی عشایر در مغولستان می‌پردازد و جهانی شدن را عاملی مؤثر بر از بین رفتن شیوه زندگی و معیشت پایدار سنتی عشایر می‌داند.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که کیفیت زندگی ازجمله امور نسبی است و نمی‌توان برای آن تعریف مطلق و جهانی ارائه داد. این اصطلاح به‌شدت از زمان و مکان متأثر است و نمی‌توان برای آن تعریف مطلق و جهانی ارائه داد (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۲۶). می‌توان گفت کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک‌سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر، ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این‌رو ارائه تعریفی جامع برای آن آسان نیست در این راستا نخست به بررسی برخی تعاریف محققان پرداخته می‌شود.

فو کیفیت زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: کیفیت زندگی در بسیاری موارد با دو مجموعه از شاخص‌های عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شاخص‌های ذهنی از طریق سنجش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایتمندی شهروندان از محیط زندگی شهری استخراج شده درحالی‌که شاخص‌های عینی مرتبط با واقعیت‌های قابل مشاهده است که در بسیاری موارد در چارچوب داده‌های ثانوی قابل استخراج است. بسته به سطح کیفیت زندگی که می‌باید مورد سنجش قرار گیرد از شاخص‌های عینی و یا ذهنی استفاده می‌شود (Foo, 2000: 35). مفهوم کیفیت زندگی اغلب به‌عنوان رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، رفاه و آسایش و احساس انجام و اجرا شناخته می‌شود. کیفیت زندگی در ارتباط با ابعاد ذهنی و فردی می‌باشد و سطح تحقق نیازهای انسان را منعکس می‌کند (Zielinska et al., 2010: 1).

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی به دودسته توصیفی و تبیینی تقسیم‌بندی می‌شوند. رویکردهای توصیفی، رابطه کیفیت زندگی را با متغیرهایی چون جنس، سن، تحصیلات، اشتغال و... بررسی می‌کنند. محور اصلی در چنین رویکردهایی سنجش کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). رویکردهای تبیینی به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی که عوامل عینی و ذهنی را در برمی‌گیرند، می‌پردازند. رویکردهای تبیینی به دودسته عاملیت گرا و ساختارگرا تقسیم می‌شوند. رویکردهای عاملیت گرا بر کنشگری فردی کیفیت زندگی تأکید می‌کنند که خود شامل چهار رویکرد مطلوبیت‌گرایی، ارزش‌های عام، نیاز محور و رویکرد قابلیت می‌باشند. رویکرد مطلوبیت‌گرایی با گرایش فلسفی به برآوردن لذت‌ها و نیازهای فردی و در یک‌کلام بر تأمین رفاه تأکید دارد. رویکرد ارزش‌های عام بر ارزش‌های منطقی و سنجیده‌ای که عموم مردم بر آن اجماع دارند، تأکید دارد. رویکردهای نیاز محور بر سه راهبرد نیازهای اساسی، توسعه انسانی و نیازهای انسانی استوار است. این رویکردها با امور واقعی در ارتباط‌اند و بر نقش انسان و تأمین نیازهای فردی در کیفیت زندگی تأکید می‌کنند. رویکرد قابلیت روشی برای مفهوم‌سازی کیفیت زندگی و در نهایت ارزیابی توسعه انسانی است. محور اصلی این رویکرد مجموعه قابلیت است که به ترکیباتی از آنچه که شخص توان انجام آن را دارد و یا باید داشته باشد، برمی‌گردد.

رویکردهای ساختارگرا، نسبت به رویکردهای عاملیت‌گرا از دو ویژگی متمایز برخوردارند: نخست آن که مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهند، که تمامی حوزه‌هایی را که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند در برمی‌گیرد و دوم این‌که بر کیفیت زندگی به‌عنوان یک کلیت تمرکز دارند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷).

رویکردهای عاملیت‌گرا: این رویکردها غالباً مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی هستند و جامعه را به‌عنوان جمع جبری افراد موردتوجه قرار می‌دهند. این‌گونه تبیین هرچند می‌پذیرد که عوامل فرا فردی برای تبیین مفید هستند اما این عوامل را همچنان به زمینه‌های فردی فرو می‌کاهد و بر نقش کنشگری فرد در شکل‌دهی به فرآیندها تأکید دارد. به‌عبارت‌دیگر در این رویکردها عاملیت فرد در مرکزیت بحث پیرامون کیفیت زندگی قرار دارد. یعنی بیش‌تر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی. از عمده‌ترین رویکردهای عاملیتی می‌توان به رویکردهای نیاز محور همچون رویکرد نیازهای اساسی، نظریه توسعه انسانی و رویکرد قابلیت‌ی اشاره کرد. این رویکردها بر مواردی چون تغذیه مناسب، مسکن، اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و امنیت اقتصادی تأکید دارند (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳).

رویکرد مطلوبیت‌گرایی: نظریه مطلوبیت‌گرایی در طول قرن ۱۸ میلادی به‌عنوان یک نظریه اخلاقی موردتوجه قرار گرفت. مطلوبیت‌گرایی مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی است که فلسفه اخلاقی و سیاسی، یا هر دو را در برمی‌گیرد. مطلوبیت‌گرایی یا خیر عمومی، به صورتی که از آثار جرمی بنتام و جان استوارت میل (۱۸۰۶-۷۳) سرچشمه می‌گیرد، به چگونگی و به حداکثر رساندن بهره و خیر عمومی معطوف است. در اواخر این قرن جرمی بنتام فیلسوف و حقوقدان انگلیسی در مهم‌ترین اثرش با عنوان اصول قانون‌گذاری و اخلاق تلاش نمود تا این نظریه را به صورتی روشن و جامع تدوین نماید و در حوزه‌هایی چون حقوق و اقتصاد به کار گیرد. این نظریه به‌طور خلاصه بر این اصل استوار است که از میان امکانات و گزینه‌های مختلفی که در هر زمینه‌ای در برابر ما وجود دارد باید آن امکاناتی را برگزینیم که بیش‌ترین رفاه و کیفیت زندگی را برای بیش‌ترین تعداد افراد جامعه ایجاد می‌کند (دامن باغ، ۱۳۹۲: ۳۲). ویژگی‌های راهبردی رویکرد مطلوبیت‌گرایی عبارت‌اند از: ۱) انتخاب امکانات و گزینه‌هایی که فراوان‌ترین لذت را برای بیش‌ترین افراد ایجاد کند. ۲) بیش‌تر معطوف به چگونگی به حداکثر رساندن بهره و خیر عمومی معطوف است. ۳) به‌جای تحمیل ارزش‌های جامعه به هر فرد اجازه می‌دهد که به انتخاب‌های خاص خود بپردازد (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸).

رویکرد ارزش‌های عام: منظور ارزش‌های منطقی و سنجیده‌ای است که عموم مردم بر آن اجماع داشته باشند. ارزش‌های عام بر این امر توجه دارند که چه چیزی زندگی شخص را برای او ارزشمند می‌کند، این‌ها ارزش‌هایی هستند که موجب بهبود کیفیت زندگی هر انسانی می‌شوند و مبتنی بر مفهومی از کیفیت زندگی هستند که بر طبیعت بشر استوار است. این ارزش‌ها این امکان را فراهم می‌سازند که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود و به دودسته هسته‌ای و غیرهسته‌ای دسته‌بندی می‌شوند. ارزش‌های هسته‌ای که اساس مطلوبیت‌گرایی را نیز تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از لذت‌جویی و اجتناب از درد که فقدان هر کدام زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سایر ارزش‌های عام و سنجیده غیرهسته‌ای هستند و ارزش‌هایی که به زندگی انسان هدف و جهت می‌دهند و موفقیت و مهارت را شامل می‌شوند. تفاوت این دودسته از ارزش‌ها هم مهم و هم مبهم است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸).

قرلباش این ارزش‌ها را به‌طور روشن‌تری شناسایی می‌کند: ۱. حداقل سطح غذا، بهداشت، سرپناه و امنیت. ۲. سواد. ۳. سطح معینی از عزت‌نفس، خودمختاری و آزادی اراده (آزادی مثبت). ۴. اراده منفی. ۵. شناخت. ۶. روابط مناسب با دیگران و مشارکت در زندگی اجتماعی. ۷. موفقیت و مهارت. این ارزش‌ها در بین افراد متفاوت‌اند و به تعبیری از دو جنبه متکثرند، یکی از جنبه برداشت‌های متنوعی که افراد مختلف از کیفیت بالای زندگی و یا زندگی خوب دارند و دیگران از جنبه اهمیت وزنی متفاوتی که هر کدام از این ارزش‌ها ممکن است برای فرد داشته باشد. مهم‌ترین نقطه قوت این رویکرد ارائه ارزش‌های مرتبط با کیفیت زندگی است، تصویری که در رویکرد مطلوبیت‌گرایی وجود ندارد به‌بیان‌دیگر فهرستی از ارزش‌های سنجیده، نمایی کلی از عوامل تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی را به ما نشان می‌دهد اما آن‌گونه که فیلیپس نشان می‌دهد این رویکرد دارای نوعی ناسازگاری و عدم انسجام درونی است که ناشی از متکثر بودن ارزش‌ها و فقدان معیاری روشن برای اولویت‌بندی آن‌ها می‌باشد. از دیگر ایرادات وارد در این رویکرد آن است که هیچ معیاری از چگونگی ارزیابی کیفیت زندگی و یا چگونگی ارزیابی کیفیت زندگی انجام‌گزی‌نیش‌های ممکن از میان این ارزش‌ها ارائه نمی‌دهد (امیدی ۱۳۸۶: ۲۵).

رویکردهای نیاز محور: این رویکرد در حوزه مطالعات توسعه و کیفیت بسیار رایج است و با بحث از نیازهای اساسی آغاز می‌شود. برخلاف رویکرد ارزش‌های عام و سنجیده که با ارزش‌های انتزاعی سروکار داشت، رویکردهای نیاز محور با امور واقعی در ارتباطند. این رویکرد خود به سه رویکرد متفاوت تقسیم می‌شود (فرجی ملایی، ۱۳۸۹: ۱۱).

رویکرد نیازهای اساسی رویکرد نیازهای اساسی هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ سنجش و اندازه‌گیری با رویکرد مطلوبیت‌گرایی تفاوت بنیادی دارد. تفاوت این دو رویکرد از بعد مفهومی به تمایز میان علایق و نیازها مربوط می‌شود و به لحاظ سنجش درحالی‌که مطلوبیت‌گرایی درآمد معیار عمل قرار می‌گیرد، در رویکرد نیازهای اساسی درآمد ضرورت مطلق کیفیت زندگی نیست چراکه در بسیاری از جوامع به دلیل وجود نابرابری بالا، ممکن است علی‌رغم برخورداری جامعه از میانگین درآمد بالا، بسیاری از افراد توان تأمین نیازهای خود را نداشته باشند. این رویکرد پایه مشخصی را برای حد معینی از استانداردهای قابل قبول زندگی ارائه می‌دهد، مشخصه‌ای که رویکردهای مطلوبیت‌گرایی و ارزش‌های عام فاقد آن هستند، به باور گریفین این رویکرد، رویکرد جامعی نیست درحالی‌که رویکرد ارزش‌های عام همه ابعاد وجودی انسان، از بقا تا ارزش‌های والا را پوشش می‌دهد، رویکرد نیازهای اساسی تنها بر بعد بقا تأکید دارد. از این رو می‌توان این رویکرد را زیرمجموعه ارزش‌های عام در نظر گرفت که بیشتر بر کالا و خدمات تمرکز دارد تا بر کیفیت زندگی انسانی، در این رویکرد همچنین تفاوت و تنوع در ویژگی‌های افراد نادیده گرفته می‌شود. این رویکرد برای سنجش کیفیت زندگی اولیه در کشورهای با محرومیت بالا قابل استفاده است اما ابزار مناسبی برای کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه برخوردار از سطح حداقل زندگی نیست و در صورتی که کیفیت زندگی در سطحی فراتر از نیازهای اولیه موردنظر باشد (امیدی، ۱۳۸۶: ۲۰).

رویکرد توسعه انسانی: این رویکرد ابتدا از سوی دفتر برنامه توسعه سازمان ملل به کار گرفته شد که توسعه‌ی انسانی را چنین تعریف کرده است: توسعه‌ی انسانی فرآیندی است که شقوق انتخابی پیش روی مردم را وسیع‌تر می‌کند. انتخاب‌های موردنظر این سازمان عبارت‌اند از منابعی که قابل اندازه‌گیری اند، مانند طول عمر همراه با سلامتی، برخورداری از آموزش و پرورش و همچنین عوامل دیگری که قابل اندازه‌گیری نیستند مانند آزادی سیاسی، حقوق انسانی، رضایت و قناعت فردی (دامن باغ، ۱۳۹۲: ۳۵). ایده اصلی این رویکرد عبارت است از اینکه بهزیستی انسان هدف اصلی توسعه است و انسان‌ها فعل و منبع اصلی توسعه به شمار می‌آیند. از این منظر مردم ثروت واقعی یک کشور هستند و هدف عمده توسعه ایجاد محیطی مناسب برای مردم به‌منظور برخورداری از یک زندگی طولانی‌خلاقانه توأم با سلامتی است، از این رو توسعه انسانی غنا بخشیدن به گزینش‌های مردم است و اساسی‌ترین عوامل آن بهره‌مندی از زندگی طولانی و سالم برای آموزش، یادگیری و برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی می‌باشد.

شواهد و مدارک جهانی نشان می‌دهد کشورهایایی که به تشکیل سرمایه انسانی اولویت داده‌اند، از نظر رشد، اشتغال، کاهش بی‌عدالتی، توزیع درآمد و کاهش فقر عملکرد خوبی داشته‌اند حوزه‌های موردبررسی توسعه انسانی، بیشتر آموزش، بهداشت و اشتغال است. اما به‌طور کل آموزش اساس توسعه محسوب می‌شود که بنیان بسیاری از موارد دیگر را تشکیل می‌دهد. این نظریه مردم‌گرا بودن برنامه‌ها و اقداماتی است که توسط دولت‌ها در کشورهای جهان سوم در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی مردم‌گرا بودن برنامه‌ها و اقداماتی است که توسط دولت‌ها در کشورهای جهان سوم در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و معضلات زیست‌محیطی انجام می‌گیرد. توسعه مردم‌گرا قالبی نمادین با زیرساخت دموکراسی در جهت توسعه انسانی در کشورهای جهان سوم و مناطق عقب‌افتاده است. گریفین و مک کنلی مزیت‌هایی را برای رویکرد توسعه انسانی قائل‌اند که عبارت‌اند از ایفای نقش در کیفیت زندگی مردم، مبتنی بودن بر پایه فرصت‌های برابر برای افراد جامعه، توزیع متساوی‌تر دستاوردهای توسعه، ایجاد ارتباط بین انواع مختلف سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و طبیعی و میسر ساختن بهره‌گیری از مزایای برنامه‌های مکمل سرمایه مادی و انسانی (امیدی، ۱۳۸۶: ۲۱).

نظریه نیازهای انسانی: شاخص اصلی در رویکرد نیازهای اساسی و توسعه انسانی، امید به زندگی است. به لحاظ ایدئولوژیک دویال و گوف (۱۹۹۱) بر این باورند که اگر تأمین نیازهای انسان، پیش‌نیاز مشارکت در زندگی اجتماعی است همه افراد دارای حق مسلم ارضای نیازهایشان هستند زیرا اعضای گروه‌های اجتماعی وظایفی را بر عهده‌دارند که بدون برخورداری از سطح مناسبی از تأمین نیازها قادر به انجام وظایفشان نخواهد بود. به لحاظ تئوریک نیز این رویکرد چارچوبی را برای نیازهای عینی به دست می‌دهد که در دامنه وسیع‌تری نسبت به رویکرد ارزش‌های عام قرار دارد. دویال و گوف نیازها را به دو نوع اساسی و

واسطه‌ای دسته‌بندی می‌کنند. نیازهای اساسی عبارت‌اند از: سلامت فیزیکی و خودمختاری. در عمل سلامت فیزیکی حالتی از بهزیستی فیزیکی، روانی و اجتماعی است. خودمختاری در عمل که در رویکرد ارزش‌های عام نیز وجود داشت به معنای توانایی گزینش آگاهانه در خصوص این امر است که چه کاری و چگونه باید انجام شود. خودمختاری نیازمند اعتمادبه‌نفس است که این خود به سه عامل متکی است: سلامت روانی، مهارت شخصی توانایی‌های لازم جهت به‌کارگیری در حین مشارکت. سلامت فیزیکی و خودمختاری نیازهای مکمل یکدیگرند و بدون وجود استقلال، آزادی، انتخاب و تصمیم‌گیری، بشر به‌طور قابل‌توجهی از یک نیاز که مانند سلامت جسمی، نیازی اساسی به‌حساب می‌آید، محروم می‌شود. اگر فرد به‌مثابه یک انسان توانایی درک خواسته‌ها و اهدافش را نداشته باشد استفاده از سلامت فیزیکی هیچ ثمری نخواهد داشت. دیوال و گوف، فهرستی از یازده نیاز واسطه‌ای ارائه می‌دهند که هرکدام با تأمین یکی از دو نیاز سلامت فیزیکی و خودمختاری مرتبط است، این نیازها عبارت‌اند از (۱) مواد غذایی مغذی (واب سالم ۲) مسکن مطمئن (۳) محیط‌زیست بدون خطر (۴) کنترل زاد ولد (۵) مراقبت بهداشتی و درمانی مناسب (۶-امنیت در دوران کودکی (۷) داشتن روابط معنادار اولیه (۸) امنیت فیزیکی (۹) امنیت اقتصادی (۱۰) آموزش مناسب (۱۱) محیط کار بی‌خطر (غفاری، امیدی، ۱۳۸۸: ۲۶). استدلال این رهیافت مبنی این است که تأمین حداقل نیازهای اساسی در جوامعی که از این حداقل‌ها نیز محروم هستند، ضمن اینکه خود گام مهمی در راستای توسعه به شمار می‌رود، از طریق بهبود کیفیت زندگی و نیروی انسانی شرایط را برای توسعه در سایر زمینه‌ها فراهم می‌کند (Stewart, 1996: 64).

رویکرد قابلیت: رویکرد قابلیت روشی است برای مفهوم‌سازی کیفیت زندگی و درنهایت ارزیابی توسعه انسانی. قابلیت به توانایی و استعداد شخص برای انجام فعالیت‌های مفید جهت به دست آوردن موقعیت‌ها و شرایط مناسب رفاهی به کارکردها مربوط می‌شود. محور اصلی این رویکرد مجموعه قابلیت است که به ترکیباتی از آنچه شخص توان انجام آن را دارد و یا باید داشته باشد، برمی‌گردد. به عبارتی مجموعه قابلیت نشانگر آزادی فرد در دستیابی به کارکردهای موردنظر است. آزادی مثبت و کارکردهای اساسی موضوعات اصلی این رویکرد هستند که منابع ابزاری آزادی و بهزیستی بخشی از ایده کارکردهای اساسی است و کیفیت زندگی می‌بایست در چارچوب توانایی فرد در به دست آوردن بهزیستی مورد قضاوت قرار گیرد. در این دیدگاه گسترش آزادی هم به‌عنوان هدف اولیه وهم به‌عنوان ابزار اصلی توسعه مدنظر قرار دارد یعنی آزادی علاوه بر نقش ابزاری به‌عنوان هدف از طریق تأثیر در غنی کردن زندگی انسان نقش نهادی و اساسی دارد. داده‌های اقتصادی در افزایش فرصت دسترسی به کارکردها تأثیر دارند اما این تأثیر مستمر و تضمین شده نیست چراکه برخی نارسایی‌ها مانند ناتوانی‌های حاصل از بیماری با بالا بودن سن، رابطه بین درآمد و قابلیت را مختل می‌کند. به‌عبارت‌دیگر رابطه درآمد و قابلیت به‌شدت تحت تأثیر متغیرهایی چون جنس، سن، مکان جغرافیایی و غیره قرار دارد. این رویکرد انتظار دارد که مجموعه قابلیت با محوریت آزادی مثبت منجر به ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد عینی و ذهنی گردد اما این موضوع را می‌پذیرد که آزادی‌ها یک موقعیت الزامی مستقل هستند که چه‌بسا در هنگام ایجاد داده‌های اقتصادی و با شروع به کار سیستم اقتصادی از طریق شکل‌گیری و اولویت‌ها محدود شوند. به‌طورکلی قابلیتی اذعان می‌دارد که در ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها به‌جای تمرکز صرف بر وضعیت ذهنی و یا میزان کالایی که جهت مصرف در اختیار فرد قرار می‌گیرد، می‌بایست بر آنچه می‌توانند انجام دهند، تمرکز نمود و در این راستا اگر توجه سیاست‌گذاران از تمرکز محدود بر دستیابی به درآمد به تمرکز جامع قابلیت‌ها تغییر کند می‌توان به درک بهتری از کیفیت زندگی دست‌یافت. این رویکرد، رویکردی بلند پروازانه است. (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۳۰).

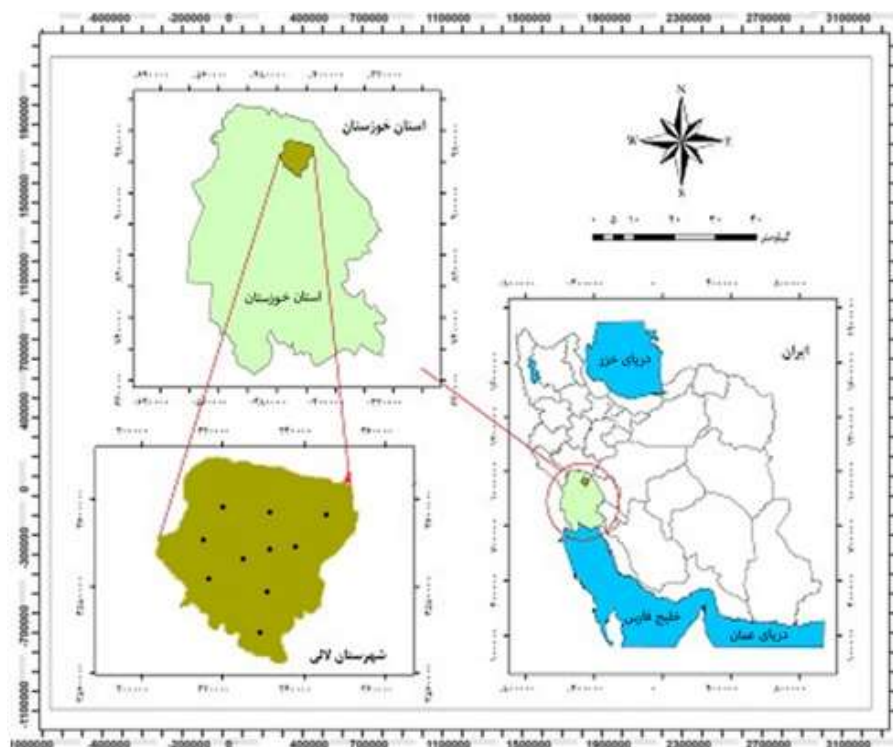
رویکردهای ساختارگرا: این رویکردها نسبت به رویکردهای عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردارند: اول آن‌که مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهند که تمامی حوزه‌هایی را که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند، در برمی‌گیرد و دوم آن‌که بر جامعه به‌عنوان یک کلیت تمرکز دارند. در این رویکرد برای کیفیت زندگی عناصر سازنده و عوامل ایجادکننده‌ای تعیین می‌شود. این عناصر به‌صورت عام عبارت‌اند از خودمختاری، شناخت و وابستگی متقابل و برابری که عواملی مانند امنیت، شهروندی و دموکراسی را برای محقق شدن نیاز دارند. به‌عبارت‌دیگر کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی شود. برنارد، برگر-اشمیت و نول از مروجین این رویکرد هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۱۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش انجام، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی که دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت می‌باشد و از این رو نمونه‌ی آماری با استفاده از فرمول کوکران، به تعداد ۳۲۲ نمونه برای عشایر شهرستان لالی تعیین و برای انتخاب نمونه‌های آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند یا سیستماتیک استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، به صورت میدانی و با مراجعه به خانوارهای ساکن در بیلاق و قشلاق مورد مطالعه جمع‌آوری شد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرخواهی از اساتید رشته‌های مرتبط با توسعه روستایی، پایایی ابزار سنجش نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در حد مطلوبی محاسبه و تأیید شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها بسته به مقیاس متغیرها و اهداف مورد نظر از میانگین، آزمون تی تک نمونه‌ای در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. پس از وارد کردن داده‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS.26 اطلاعات به دست آمده در دو بخش آمار توصیفی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان لالی از دید جغرافیایی در درازای جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه خاوری و پهنای جغرافیایی ۳۱/۹۳ درجه و ۴۹/۳۰ دقیقه شمالی گسترده شده است و بلندای آن از روی دریا ۳۷۲ متر می‌باشد. شهرستان لالی در ۵۵ کیلومتری شمال شهرستان مسجدسلیمان واقع شده است و تا چند سال پیش جزء سه بخش اصلی شهرستان مسجدسلیمان بوده است. این شهرستان کوهستانی و زیبا با دشت‌های سرسبز و دیدنی جایگاه و محل کوچ زمستانی ایلات و عشایر بختیاری می‌باشد. دشت لالی یا دشت لاله‌های سرخ لقبی است که به خاطر رویش گل‌های لاله و شقایق‌های آتشین در فصل بهار در این شهرستان می‌باشد. لالی به خاطر موقعیت طبیعی و جغرافیایی منحصر به فرد از ۱۷۰۰۰ سال پیش سکونت و استقرارهای اولیه و زندگی غارنشینی در آن به وجود آمده و طی هزاران سال مورد توجه بشر بوده است. شهرستان لالی از شمال تا شمال غربی با شهرستان دزفول، از شرق با شهرستان اندیکا، از جنوب با شهرستان مسجدسلیمان و از جنوب غربی با شهرستان گتوند همسایه است. شهرستان لالی شامل حدود ۲۸۵ روستا می‌باشد.



شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

یافته‌ها و بحث

جدول (۱) فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش را برحسب متغیرهای سن، جنس، تأهل، میزان تحصیلات و میزان درآمد نشان می‌دهد. تعداد ۳۲۲ نفر مورد بررسی ۶۲/۴ درصد مرد و ۳۷/۶ درصد زن بودند. پاسخگویان دارای دامنه سنی بین ۱۵ تا بیش از ۵۹ سال بوده‌اند که حدود ۵۰ درصد آن‌ها سنی کمتر از ۳۵ سال داشته‌اند. از تعداد ۳۲۲ نفر ۳۳/۶ درصد مجرد و ۶۶/۴ درصد متأهل بوده‌اند. حدود ۷۶ درصد زیر دیپلم، ۲۱/۲ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۲/۸ درصد لیسانس بوده‌اند، همچنین آمار نشان می‌دهد میزان درآمد ماهانه ۲ تا ۴ میلیون ۱۲/۱ درصد، ۴ تا ۶ میلیون ۲۶/۸ درصد، ۶ تا ۱۰ میلیون ۴۹/۳ و بیش از ۱۰ میلیون تومان ۱۱/۸ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱. فراوانی ویژگی جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش

مؤلفه	جنسیت	سن (سال)
شاخص	مرد	۲۵-۱۵
فراوانی	۲۰۱	۲۶-۳۵
درصد	۶۲/۴	۳۶-۴۵
مؤلفه	مجرد	سطح تحصیلات
شاخص	متأهل	دیپلم و فوق دیپلم
فراوانی	۲۱۴	لیسانس
درصد	۶۶/۴	فوق لیسانس و بالاتر
مؤلفه	میزان درآمد ماهانه	
شاخص	۱ تا ۲ میلیون	۲ تا ۴ میلیون
فراوانی	-	۴ تا ۶ میلیون
درصد	-	۶ تا ۱۰ میلیون
		بالای ۱۰ میلیون

تأثیر شاخص‌های اقتصادی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق

برای تعیین شاخص‌های کیفیت زندگی عشایر می‌بایست شاخص‌هایی تعیین گردد که شاخص‌های نشانه‌های عینی، قابل‌شناسایی و اندازه‌گیری برای مفهوم‌ها باشند که برای این منظور تعداد ۲۱ شاخص در نظر گرفته شد که شامل: وضعیت خانوار به لحاظ برخورداری از درآمد مناسب که زندگی خانواده شمارا کفایت کند، وضعیت خانوار شما به لحاظ پس‌انداز سالیان تا چه حد از آینده شغلی خود رضایت دارید، توانایی و قدرت پس‌انداز درآمد، ثبات و پایداری درآمد تا چه حد از وضعیت شغلی رضایت دارید تا چه حد درآمد ماهیانه شما از عهده هزینه‌های زندگی‌تان برمی‌آید، وضعیت درآمد خانوار شما به لحاظ تأمین نیازهای اولیه زندگی، تنوع وضعیت شغلی تا چه حد از امنیت شغلی خود رضایت دارید، وضعیت اشتغال زنان عشایر تا چه حد از تولیدات دامی و زراعی رضایت دارید تا چه حد از تولیدات صنایع دستی رضایت دارید، وضعیت سودآوری تولیدات، بهره‌مندی از حمایت‌های دولتی (بیمه کشاورزی و دام) تا چه حد از تولیدات رضایت دارید تا چه حد جوانان نسبت به اشتغال امیدواری دارند، وضعیت مالکیت دام بزرگ و کوچک، وضعیت مالکیت مراتع و اراضی کشاورزی، وضعیت مالکیت زمین و مسکن، انگیزه جهت سرمایه‌گذاری در دامداری در پرسشنامه شرح شد. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه وجود دارد و محقق بخواهد میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج استاندارد و یا حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کند، به عبارتی دیگر محقق قصد داشته باشد میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کند از آزمون t تک نمونه‌ای بهره می‌گیرد. در این پژوهش برای آزمون t میانگین نمونه را با مقدار (۳) که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنانچه میانگین هر کدام از ابعاد تحقیق بیشتر از مقدار (۳) باشد و دارای اختلاف معنی‌داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P < 0/05$) نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های اقتصادی در کیفیت زندگی تأثیرگذار بوده است. نتایج آزمون تی (جدول ۲) نشان می‌دهد سطح معناداری همه شاخص‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. میانگین تأثیر شاخص‌ها اقتصادی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق پایین‌تر از میانگین حد متوسط می‌باشد. کرانه بالا و پایین آن‌ها کمتر از صفر و منفی است. همچنین سطح معنی‌داری در همه شاخص‌ها کمتر ۰/۰۵ می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گویه‌های شاخص اقتصادی در قشلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف		فاصله اطمینان
					میانگین	کران پایین	
۱	-۲۲,۴۶۳	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۹۸	-۱,۰۲	-۱,۱۰	-۰/۹۲
۲	-۱۸,۸۲۰	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۱۵	-۰,۸۸۳	-۰,۹۳	-۰/۷۵
۳	-۲۸,۰۸۶	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۸۸	-۱,۱۱۱	-۱,۱۸	-۱/۰۳
۴	-۳۲,۹۸۸	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۶۴	-۱,۳۵۰	-۱,۴۳	-۱/۲۷
۵	-۴۰,۰۹۴	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۹	-۱,۵۰۹	-۱,۵۸	-۱/۴۳
۶	-۳۹,۳۱۰	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۵	-۱,۴۴۴	-۱,۵۱	-۱/۳۷
۷	-۳۸,۵۷۱	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	-۱,۴۲۲	-۱,۴۹	-۱/۳۴
۸	-۲۹,۷۲۳	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۹۵	-۱,۰۴۳	-۱,۱۱	-۰/۹۷
۹	-۳۱,۹۷۸	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۷۴	-۱,۲۵۴	-۱,۳۳	-۱/۱۷
۱۰	-۴۰,۲۲۳	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۶۱	-۱,۳۸۱	-۱,۴۴	-۱/۳۱
۱۱	-۲۰,۰۲۲	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۱۴	-۰,۸۵۷	-۰,۹۴	-۰/۷۷
۱۲	-۷,۰۷۲	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۲۷	-۰,۷۲۰	-۰,۹۲	-۰/۵۲
۱۳	-۲۰,۳۶۹	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۱۸	-۰,۸۱۶	-۰,۸۹	-۰/۷۳
۱۴	-۲۰,۴۲۵	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۰۷	-۰,۹۲۵	-۱,۰۱	-۰/۸۳
۱۵	-۱۱,۷۴۸	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۴۷	-۰,۵۲۴	-۰,۶۱	-۰/۴۳
۱۶	-۳۲,۵۹۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۸۱	-۱,۱۸۳	-۱,۲۵	-۱/۱۱
۱۷	-۴۵,۳۵۲	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۴	-۱,۴۵۰	-۱,۵۱	-۱/۳۸
۱۸	-۱۵,۵۶۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۳۰	-۰,۶۹۲	-۰,۷۸	-۰/۶۰
۱۹	-۳۶,۴۶۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۸	-۱,۴۱۳	-۱,۴۹	-۱/۳۳
۲۰	-۱۸,۲۳۳	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲/۰۰	-۰,۹۹۶	-۱,۱۰	-۰/۸۸
۲۱	۳۷,۴۵۶	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۸	۱,۴۱۹	-۱,۴۹	-۱/۳۴

نتایج آزمون تی (۳) نشان می‌دهد سطح معناداری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد. میانگین تأثیر شاخص‌ها اقتصادی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق پایین‌تر از میانگین حد متوسط می‌باشد. کرانه بالا و پایین آن‌ها کمتر از صفر و منفی است. همچنین سطح معنی‌داری در همه شاخص‌ها کمتر ۰/۰۵ می‌باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گویه‌های شاخص اقتصادی در بیابان

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف		فاصله اطمینان
					میانگین	کران پایین	
۱	-۴۴,۵۶۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۶	-۱,۴۳۴	-۱,۴۹	-۱/۳۷
۲	-۵۱,۹۳۲	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۸	-۱,۵۱۸	-۱,۵۷	-۱/۴۶
۳	-۵۴,۱۰۰	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۴	۱,۵۵۵	-۱,۶۱	-۱/۴۹
۴	-۵۳,۶۷۹	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۵	-۱,۵۴۶	-۱,۶۰	-۱/۴۸
۵	-۵۳,۵۵۰	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۸	-۱,۵۱	-۱,۵۶	-۱/۴۵
۶	-۵۱,۸۹۵	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۵	-۱,۵۴۶	-۱,۶۰	-۱/۴۸
۷	-۵۲,۵۷۲	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۳	-۱,۵۶۲	-۱,۶۲	-۱/۵۰
۸	-۴۱,۳۷۱	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	-۱,۴۲۵	-۱,۴۹	-۱/۳۵
۹	-۴۴,۳۱۹	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۵۱	-۱,۴۸۷	۱,۵۵	-۱/۴۲
۱۰	-۵۶,۱۸۴	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۲	-۱,۵۷۱	-۱,۶۲	-۱/۵۱
۱۱	-۵۴,۵۶۱	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۶	-۱,۵۳۷	-۱,۵۹	-۱/۴۸
۱۲	-۵۲,۶۵۰	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۷	۱,۵۳۱	-۱,۵۷	-۱/۴۶
۱۳	-۵۳,۹۵۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۶	-۱,۵۵۲	-۱,۶۰	-۱/۴۹
۱۴	-۵۱,۴۷۱	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۷	-۱,۵۲۱	-۱,۵۷	-۱/۴۶
۱۵	-۵۰,۹۰۶	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱/۴۹	-۱,۵۰۶	-۱,۵۶	-۱/۴۴

۱۶	-۵۲,۱۷۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۷	-۱,۵۲۴	-۱,۵۸۱	-۱/۴۶
۱۷	-۵۰,۹۶۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۴	-۱,۴۵۰	-۱,۵۰۰	-۱/۳۹
۱۸	-۲۹,۹۷۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۶	-۱,۲۳۹	-۱,۲۲۲	-۱/۱۵
۱۹	-۵۳,۶۳۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۰	-۱,۴۹۶	-۱,۵۵۰	-۱/۴۴
۲۰	-۵۷,۳۹۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۱	-۱,۵۸۰	-۱,۶۳۳	-۱/۵۲
۲۱	-۵۰,۱۴۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۰	-۱,۵۰۰	-۱,۵۵۰	-۱/۴۴

تأثیر شاخص‌های اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و ییلاق

برای تعیین و میزان تأثیر شاخص‌های اجتماعی می‌بایست شاخص‌هایی تعیین گردد که شاخص‌های نشانه‌های عینی، قابل‌شناسایی و اندازه‌گیری برای مفهوم‌ها باشند که برای این منظور تعداد ۲۴ شاخص در نظر گرفته شد که شامل: پیوستگی و تعلق خاطر به کوچ‌نشینی، روابط صمیمانه میان اعضای خانواده، تمایل به زندگی کوچ‌نشینی، وضعیت سواد عشایر، امیدواری به بهبود شرایط زندگی عشایر، مشارکت و همبستگی عشایر در ساخت مسکن، وجود اتحاد و انسجام، نزاع و کشمکش میان عشایر، دسترسی به پاسگاه در مواقع اضطراری، امنیت فردی و اجتماعی عشایر، وضعیت کاهش نزاع قومی در عشایر، وضعیت تفریحات و اوقات فراغت، وضعیت رفتاری عشایر نسبت به چشم و هم‌چشمی، دارا بودن مدارس عشایری تا چه حد از آموزش‌های عمومی و بهداشت روستاییان رضایت دارید تا چه حد از وجود امکانات ورزشی رضایت دارید، وضعیت دسترسی به امکانات و تجهیزات آموزشی در مدارس، دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی تا چه حد از برنامه‌های مختلف درگذران اوقات فراغت خود رضایت دارید، سرقت و ناامنی، فقر و تنگدستی، دیدگاه مثبت نسبت به آینده روستا، وجود باورهای دینی قوی میان مردم، وضعیت تلاش فردی جهت شناخت، حفظ و ارتقا میراث عشایر.

برای سنجش متغیر تأثیر شاخص‌های اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و ییلاق از ۲۴ شاخص استفاده شده است که با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به سنجش متغیر فوق پرداخته شده است. محاسبات حاصل از تی تک نمونه‌ای برای میزان شاخص‌های اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و ییلاق انجام گرفته است. نتایج بیانگر آن است روابط صمیمانه میان اعضای خانواده با ۳/۱۳ درصد، مشارکت و همبستگی عشایر در ساخت مسکن با ۳/۹۷ درصد، وجود اتحاد و انسجام با ۳/۵۰ درصد و گوپه وجود باورهای دینی قوی میان مردم با ۳/۷۷ درصد از سطح متوسط شاخص‌ها (۳) هستند اما بقیه گوپه‌ها امتیاز زیر حد متوسط ۳ را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده عدم رضایت پاسخ‌دهندگان از نقش شاخص‌های اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی می‌باشد، همچنین سطح معنی‌داری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گوپه‌های شاخص اجتماعی در قشلاق

گوپه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان
				کران پایین	کران بالا	
۱	-۲,۹۳۹	۳۲۱	۰۰۴	۲/۸۲	-۱,۱۷۷	-۰,۰۵
۲	۲/۴۳۵	۳۲۱	۰۱۵	۳/۱۵	۰,۱۵۲	۰,۲۷
۳	-/۶۸۴	۳۲۱	۴۹۴	۲/۹۵	-۰,۴۳	۰,۰۸
۴	-۱۵,۰۶۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۴۵	-۰,۵۴۹	-۰,۴۷
۵	-۱۷,۵۴۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۳۲	-۰,۶۷۰	-۰,۵۹
۶	۲۴/۹۵۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۹۷	۰,۹۷۸	۱/۵۰
۷	۱۱/۹۷۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۵۰	۰,۵۰۳	۰,۵۸
۸	-۱۳,۳۰۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۳۵	-۰,۶۴۵	-۰,۵۵
۹	-۵,۸۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۵	-۰,۲۴۵	-۰,۱۶
۱۰	-۲,۳۱۱	۳۲۱	۰,۲۱	۲/۸۳	-۰,۱۶۴	-۰,۰۲
۱۱	-۳۴,۶۱۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۰	-۱,۲۹۸	-۱,۲۲
۱۲	-۵۴,۶۷۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۱	-۱,۵۸۱	-۱,۵۲
۱۳	-۵۴,۶۹۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۴	-۱,۵۹۳	-۱,۵۳
۱۴	-۱۱,۶۷۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۵۵	-۰,۴۴۰	-۰,۳۶

۱۵	-۳۵,۹۳۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۲	-۱,۲۷۶	-۱,۳۴	-۱,۲۰
۱۶	-۵۳,۴۲۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۰	-۱,۴۹۰	-۱,۵۴	-۱,۴۳
۱۷	-۴۲,۹۲۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۷	-۱,۳۲۹	-۱,۳۹	-۱,۲۶
۱۸	-۴۷,۵۱۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۵	-۱,۴۴۴	-۱,۵۰	-۱,۳۸
۱۹	-۵۶,۱۰۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۴	-۱,۵۵۵	-۱,۶۱	-۱,۵۰
۲۰	-۱۵,۳۳۸	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۵۱	-۴۸۷	-۵۵	-۴۲
۲۱	-۱,۵۹۰	۳۲۱	۰/۱۳۰	۲/۸۹	-۱۰۸	-۲۴	۰۲
۲۲	-۵,۵۵۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۲	-۲۷۶	-۳۷	-۱۷
۲۳	۱۸,۳۱۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۷۷	۷۷۹	۶۹	۵۶
۲۴	-۱۰,۳۶۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۳۵	-۶۴۹	-۷۷	-۵۲

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد سطح معناداری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد. میانگین تأثیر اکثر شاخص‌ها اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در بیلاق پایین‌تر از میانگین حد متوسط می‌باشد و ۴ گویه از تعداد ۲۴ گویه شاخص‌های اجتماعی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در بیلاق بالاتر از میانگین حد وسط (۳) می‌باشد که عبارت‌اند از: گویه (روابط صمیمانه میان اعضای خانواده) با امتیاز ۴/۰۵، (مشارکت و همبستگی عشایر در ساخت مسکن کمترین شاخص) با امتیاز ۳/۷۴، (وجود باورهای دینی قوی میان مردم) با امتیاز ۳/۳۱ و گویه وجود اتحاد و انسجام امتیاز ۳/۴۰ را به خود اختصاص داده‌اند همچنین کرانه بالا و پایین آن‌ها کمتر از صفر و منفی است؛ و سطح معنی‌داری در همه شاخص‌ها کمتر ۰/۰۵ است.

جدول ۵. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گویه‌های شاخص اجتماعی در بیلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	
					کران پایین	کران بالا
۱	-۲۸,۸۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۰	-۱,۱۹۲	-۱,۲۷
۲	۱۸/۳۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۴/۰۵	۱/۰۵۹	۹۴
۳	-۱۸,۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۰۸	-۹۸۷	-۱,۰۹
۴	-۱۷,۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۲۰	-۷۹۵	-۸۸۵
۵	-۴۴,۲۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۲	-۱,۴۷۲	-۱,۵۳
۶	۱۶/۹۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۷۴	۷۴۸	۶۶۱
۷	۷/۴۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۴۰	۴۰۳	۲۹۶
۸	-۴,۲۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۸۰	-۱۹۸	-۲۸۹
۹	-۴۶,۰۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	-۱,۴۴۰	-۱,۵۰
۱۰	-۲,۹۶	۳۲۱	۰/۰۰۳	۲/۸۳	-۱۶۴	-۲۷۳
۱۱	-۳۳,۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۷	۱,۳۲۶	-۱,۴۰
۱۲	-۴۳,۲۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۱	-۱,۳۸۸	-۱,۴۵
۱۳	-۴۲,۷۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۲	-۱,۳۷۸	-۱,۴۴
۱۴	-۵۳,۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۱	-۱,۴۸۴	-۱,۵۳
۱۵	-۳۰,۶۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۸	-۱,۲۱۴	-۱,۲۹
۱۶	-۴۱,۹۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۲	-۱,۳۷۸	-۱,۴۴
۱۷	-۷۹-۴۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۴	-۱,۳۵۰	-۱,۴۱
۱۸	-۵۷,۳۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۱	-۱,۵۸۰	-۱,۶۳
۱۹	-۵۷,۳۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۴	-۱,۵۸۰	-۱,۶۳
۲۰	-۶,۱۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۴	-۲۵۴	-۳۳۶
۲۱	-۵۶,۳۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۲	-۱,۵۷	-۱,۶۲
۲۲	-۲۹,۶۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۵	-۱,۱۵۴	-۱,۲۲
۲۳	۵/۶۸	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۳۱	-۳۱۰	۲۰
۲۴	-۹,۸۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۴۲	-۵۷۱	-۶۸

تأثیر شاخص‌های کالبدی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق

برای تعیین میزان تأثیر شاخص‌های کالبدی بر کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق ۱۵ شاخص در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: تا چه حد از وضعیت کیفیت مسکن رضایت دارید تا چه حد از وضعیت زیرساخت رضایت دارید، وجود خانه‌های نوساز و بادوام، وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی، دسترسی به جاده‌های مناسب، دسترسی به وسایل نقلیه حمل‌ونقل، کیفیت جاده‌های در دسترس، استفاده از چوب درختان در ساخت مسکن، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، توجه به شکل مناسب مسکن (در ارتباط و تناسب با محیط پیرامون)، وضعیت آنتن دهی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، دسترسی به برق، استفاده از شیوه‌ها و مصالح ساختمانی مقرون به صرفه و سازگار با محیط، کارایی انرژی و تولید اکسیژن، استفاده از وسایل مدرن در زندگی روزمره، دسترسی به تلفن و خطوط ارتباطی. نتایج بیانگر آن است توجه به شکل مناسب مسکن (در ارتباط و تناسب با محیط پیرامون) با امتیاز ۳/۰۸، دسترسی به برق ۳/۳۹ و دسترسی به تلفن و خطوط ارتباطی با امتیاز ۳/۰۳ درصد بیشتر از سطح متوسط شاخص‌ها (۳) هستند اما بقیه گویه‌ها امتیاز زیر حد متوسط ۳ را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده عدم رضایت پاسخ‌دهندگان از نقش شاخص‌های کالبدی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی در قشلاق می‌باشد، همچنین سطح معنی‌داری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گویه‌های شاخص کالبدی در قشلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان	
						کران بالا	کران پایین
۱	-۴۰,۴۸۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۹	-۱,۵۰۳	-۱,۵۷	-۱,۴۳
۲	-۴۷,۳۳۸	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۲	-۱,۳۷۲	-۱,۴۲	-۱,۳۱
۳	-۱۹,۹۶۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۰۹	-۰,۹۰۶	-۰,۹۹	-۰,۸۱
۴	-۴۷,۳۹۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۶	-۱,۴۳۴	-۱,۴۹	-۱,۳۷
۵	-۲۲,۹۴۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۱۹	-۰,۸۰۷	-۰,۸۷	-۰,۷۳
۶	-۴۷,۶۸۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۸	-۱,۵۱۵	-۱,۵۷	-۱,۴۵
۷	-۲۷,۳۴۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۹۰	-۱,۰۹۳	-۱,۱۷	-۱,۰۱
۸	-۵,۸۲۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۶	-۰,۲۳۲	-۰,۳۱	-۰,۱۵
۹	-۵,۱۴۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۳	-۰,۲۶۰	-۰,۳۶	-۰,۱۶
۱۰	۱/۵۴۹	۳۲۱	۰/۱۳۲	۳/۰۸	۰,۰۸۳	-۰,۰۲	۰,۱۹
۱۱	-۱۵,۶۰۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۰۷	-۰,۹۲۲	-۱,۰۳	-۰,۸۰
۱۲	۱۰/۰۷۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۳۹	۰,۳۹۷	۰,۳۱	۰,۴۷
۱۳	-۲۸,۸۲۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۴	-۱,۱۵۸	-۱,۲۳	-۱,۰۷
۱۴	-۲۵,۴۵۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۰	-۱,۱۹۸	-۱,۲۹	-۱,۱۰
۱۵	۶۷۰	۳۲۱	۰/۵۰۳	۳/۰۳	۰,۳۴	-۰,۰۶	۰,۱۳

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد سطح معناداری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد. میانگین تأثیر اکثر شاخص‌های کالبدی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در بیلاق پایین‌تر از میانگین حد متوسط می‌باشد و ۲ گویه از تعداد ۱۵ گویه شاخص‌های کالبدی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در بیلاق بالاتر از میانگین حد وسط (۳) می‌باشد که عبارت‌اند از: گویه (استفاده از چوب درختان در ساخت مسکن) با امتیاز ۳/۰۶، (دسترسی به آب آشامیدنی سالم) با ۳/۰۵ درصد میانگین را به خود اختصاص داده‌اند همچنین کرانه بالا و پایین آن‌ها کمتر از صفر و منفی است؛ و سطح معنی‌داری در همه شاخص‌ها کمتر ۰/۰۵ می‌باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر گویه‌های شاخص کالبدی در بیلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان	
						کران بالا	کران پایین
۱	-۵۳٫۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۳۸	-۱٫۶۱	۱٫۶۷	-۱٫۵۵
۲	-۴۷٫۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۰	-۱٫۴۹	-۱٫۵۵	-۱٫۴۳
۳	-۴۷٫۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۳	-۱٫۴۶	-۱٫۵۲	-۱٫۴۰
۴	-۵۴٫۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۴۶	-۱٫۵۳	-۱٫۵۸	-۱٫۴۷
۵	-۳۹٫۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۱	۰٫۳۸-۱	-۱٫۴۵	-۱٫۳۱
۶	-۳۵٫۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۸	-۱٫۳۱	-۱٫۳۸	-۱٫۲۴
۷	-۵۱٫۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	-۱٫۴۲	-۱٫۴۷	-۱٫۳۷
۸	۱/۱۰	۳۲۱	۰/۲۷۰	۳/۰۶	-۰٫۶۲	-۰٫۴	۰٫۱۷
۹	۰٫۹۹۱	۳۲۱	۰/۳۲۳	۳/۰۵	۰٫۵۵	-۰٫۵	۰٫۱۶
۱۰	-۴٫۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۶	-۰٫۲۳	-۰٫۳۵	-۰٫۱۲
۱۱	-۳۰٫۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۹۰	-۱٫۰۹	-۱٫۱۶	-۱٫۰۲
۱۲	-۶٫۷۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۷۰	-۰٫۲۹	-۰٫۳۸	-۰٫۲۱
۱۳	-۳۰٫۲۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۹	-۱٫۱۰	-۱٫۱۷	-۱٫۰۳
۱۴	-۳۰٫۴۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۸	-۱٫۱۱	-۱٫۱۸	-۱٫۰۳
۱۵	-۲۸٫۲۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۹	-۱٫۱۰	-۱٫۱۷	-۱٫۰۲

تأثیر شاخص محیطی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق

برای تعیین میزان تأثیر شاخص محیطی بر کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق ۱۱ شاخص در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: وضعیت بهداشت و پاکیزگی فضای اطراف مساکن، کیفیت جمع‌آوری زباله‌ها، کیفیت دفع بهداشتی زباله‌ها، دفع بهداشتی فضلاب‌های خانگی، تخریب و فرسایش خاک، تخریب منابع طبیعی (چرا و قطع درختان)، توجه به طبیعت و حفظ پوشش گیاهی، توجه به مکان‌یابی مناسب و دوری از کانون‌های خطر، دفع آب‌های سطحی، وجود جایگاه دفع زباله و اتلاف و آلودگی منابع آبی.

برای سنجش متغیر تأثیر شاخص‌های محیطی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در قشلاق و بیلاق از ۱۱ شاخص استفاده شده است که با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به سنجش متغیر فوق پرداخته شده است. محاسبات حاصل از تی تک نمونه‌ای برای میزان تأثیر شاخص‌های محیطی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی انجام گرفته است. نتایج بیانگر آن است که شاخص وضعیت بهداشت و پاکیزگی فضای اطراف مساکن (۱/۹۰)، کیفیت جمع‌آوری زباله‌ها (۱/۵۹)، کیفیت دفع بهداشتی زباله‌ها (۱/۶۸)، دفع بهداشتی فضلاب‌های خانگی (۱/۵۸)، تخریب منابع طبیعی (چرا و قطع درختان) (۲/۶۹)، توجه به طبیعت و حفظ پوشش گیاهی (۱/۸۸)، توجه به مکان‌یابی مناسب و دوری از کانون‌های خطر (۱/۷۰)، دفع آب‌های سطحی (۱/۸۳)، وجود جایگاه دفع زباله (۱/۵۷) و اتلاف و آلودگی منابع آبی (۱/۷۸) از حد متوسط شاخص‌ها (۳) پایین‌تر هستند و نشان‌دهنده عدم رضایت پاسخ‌گویان از تأثیر شاخص‌های محیطی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی در قشلاق می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد.

جدول ۸. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر شاخص‌های محیطی در قشلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان	
						کران بالا	کران پایین
۱	-۲۶٫۵۸۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۹۰	-۱٫۰۹۹	-۱٫۱۸	-۱٫۰۱
۲	-۳۶٫۱۸۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۹	-۱٫۴۰۳	-۱٫۴۸	-۱٫۳۲
۳	-۳۶٫۰۴۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۸	-۱٫۳۱۳	-۱٫۳۸	-۱٫۲۴
۴	-۴۱٫۱۱۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۸	-۱٫۴۱۳	-۱٫۴۸	-۱٫۳۴
۵	۰٫۵۳۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۳/۳۰	۰٫۳۰۱	۰٫۲۱	۰٫۳۹
۶	-۰٫۷۰۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۹۶	-۰٫۳۷	-۰٫۱۴	۰٫۰۶

۷	-۲۳,۵۲۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۸	-۱,۱۱۸	-۱,۲۱	-۱,۰۲
۸	-۳۴,۳۰۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۰	-۱,۲۹۱	-۱,۳۶	-۱,۲۱
۹	-۲۶,۷۲۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۳	-۱,۱۶۴	-۱/۲۵	-۱,۰۷
۱۰	-۴۷,۰۹۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۵۷	-۱,۴۲۵	-۱,۴۸	-۱,۳۶
۱۱	-۴۰,۲۴۰	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۷۸	-۱,۲۱۱	-۱,۲۷	-۱,۱۵

نتایج بیانگر آن است که شاخص وضعیت بهداشت و پاکیزگی فضای اطراف مساکن (۱/۸۷)، کیفیت جمع‌آوری زباله‌ها (۱/۸۳)، کیفیت دفع بهداشتی زباله‌ها (۱/۸۳)، دفع بهداشتی فاضلاب‌های خانگی (۱/۹۵)، تخریب و فرسایش خاک (۲/۵۸)، تخریب منابع طبیعی (چرا و قطع درختان) (۲/۴۶)، توجه به طبیعت و حفظ پوشش گیاهی (۱/۸۱)، توجه به مکان‌یابی مناسب و دوری از کانون‌های خطر (۱/۶۹)، دفع آب‌های سطحی (۱/۹۲)، وجود جایگاه دفع زباله (۱/۷۸) و اتلاف و آلودگی منابع آبی با ۲/۹۶ درصد کسب نموده‌اند و نشان‌دهنده عدم رضایت پاسخ‌گویان از تأثیر شاخص‌های محیطی در کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی در بیلاق می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری همه شاخص‌ها در سطح ۹۵ درصد می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که مقدار میانگین به‌دست‌آمده برای شاخص اقتصادی در قشلاق برابر است با (۱/۸۸)، شاخص اجتماعی در قشلاق (۲/۴۳)، شاخص کالبدی در قشلاق (۱/۹۹) و شاخص محیطی در قشلاق (۲/۰۷) را کسب کرده‌اند همچنین میانگین به‌دست‌آمده شاخص‌های اقتصادی در بیلاق (۱/۴۹)، شاخص اجتماعی در بیلاق (۲/۱۶)، شاخص کالبدی در بیلاق (۲/۲۰) و بالاخره شاخص محیطی در بیلاق برابر است با ۱/۹۸ که نتیجه می‌گیریم کیفیت زندگی در شاخص‌های موردبررسی در قشلاق بالاتر از بیلاق می‌باشد و با توجه به سطح معناداری (Sig=0/000 که کمتر از ۰/۰۵) می‌باشد معناداری آن تأیید می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در خصوص تأثیر شاخص‌های محیطی در بیلاق

گویه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان	
						کران پایین	کران بالا
۱	-۲۹,۲۰۹	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۷	-۱,۱۲۱	-۱,۱۹	-۱,۰۴
۲	-۲۸,۷۱۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۳	-۱,۱۶۷	-۱,۲۴	-۱,۰۸
۳	-۲۸,۶۷۳	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۳	-۱,۱۶۱	-۱,۲۴	-۱,۰۸
۴	-۲۶,۷۴۶	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۹۵	-۱,۰۴۹	-۱,۱۲	-۰/۹۷
۵	-۸,۴۸۴	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۵۸	-۰/۴۱۹	-۰/۵۱	-۰/۳۲
۶	-۱۱,۷۵۱	۳۲۱	۰/۰۰۰	۲/۴۸	-۰/۵۳۷	-۰/۶۲	-۰/۴۴
۷	-۳۴,۴۱۵	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۱	-۱,۱۸۶	-۱,۲۵	-۱,۱۱
۸	-۳۲,۱۰۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۶۹	-۱,۳۰۱	۱,۳۸	-۱,۲۲
۹	-۲۸,۷۶۷	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۹۲	-۱,۰۷۴	-۱,۱۴	-۱,۰۰
۱۰	-۳۰,۲۲۲	۳۲۱	۰/۰۰۰	۱/۸۷	-۱,۱۲۴	-۱,۱۹	-۱,۰۵
۱۱	-۰/۶۱۰	۳۲۱	۰/۵۴۲	۲/۹۶	-۰/۰۳۱	-۰/۱۳	-۰/۰۶

جدول ۱۰. نتایج حاصل از تی تک نمونه‌ای برحسب میانگین به‌دست‌آمده شاخص‌ها در قشلاق و بیلاق

ردیف	شاخص‌های مورد بررسی	قشلاق	بیلاق	سطح معنی‌داری	نتیجه فرضیه
۱	اقتصادی	۱/۸۸	۱/۴۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۲	اجتماعی	۲/۴۳	۲/۱۶	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۳	کالبدی	۱/۹۹	۲/۲۰	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
۴	محیطی	۲/۰۷	۱/۹۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

نتیجه‌گیری

زندگی کوچ‌نشینی از قدیمی‌ترین شیوه‌های زندگی در مناطق مختلف جهان و ایران است و تداوم آن در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های مختلفی را تحت تأثیر مسائل اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و به‌ویژه سیاسی تجربه کرده است. تا آنجا که گاه‌آه تحولات این جامعه نقطه عطفی در تحولات کشور را به همراه داشته است؛ بدین ترتیب ارائه هرگونه طرح و برنامه در خصوص عشایر نیازمند بررسی و مطالعات عمیق علمی است؛ تا بتوان راهبردهای مناسبی که کمترین آسیب را وارد نماید، ارائه داد. یکی از این ابعاد مورد مطالعه وضعیت کیفیت زندگی است که در پژوهش حاضر و در مورد کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی، استان خوزستان در بیلاق و قشلاق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق عشایری کشور به آن پرداخته شده است. با توجه به این‌که هدف این تحقیق سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی مکان می‌باشد از رویکرد قابلیت به‌عنوان پشتوانه نظریه‌ای استفاده شده است، اما مفهومی کامل از کیفیت زندگی در بر نمی‌گیرد که برای رفع این نقیصه رویکردهای ساختارگرا هم استفاده شده است، در واقع رویکرد ساختارگرا مفهومی کامل‌تر و به‌عنوان یک کلیت مطرح می‌باشد. آنچه مهم است این است که هر یک از رویکردها دارای ضعف‌ها و قوت‌هایی می‌باشند که در این تحقیق سعی شده است با مطالعه تمامی جنبه‌ها نقاط مثبت هر یک از رویکردها در فرایند تحقیق استفاده شود اما با توجه به ماهیت تحقیق بیشتر بر رویکرد ساختارگرا باهدف ارزشیابی و سنجش تأکید دارد. با این نگرش، تحقیق حاضر به هدف سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی و عشایری از دید جامعه نمونه صورت گرفته است که ۷۱ گویه در قالب ۴ بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت که از نتایج به‌دست‌آمده می‌توان استنباط نمود که کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری در بیلاق و قشلاق در این ارتباط با چالش‌های اساسی مواجه است. تحلیل دیدگاه ساکنین عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که شاخص اقتصادی در قشلاق ۱/۸۸، بیلاق ۱/۴۹، شاخص اجتماعی در قشلاق ۲/۴۳، بیلاق ۲/۱۶، شاخص کالبدی در قشلاق ۱/۹۹، بیلاق ۲/۲۰ و شاخص زیست‌محیطی در قشلاق ۲/۰۷، بیلاق ۱/۹۸ که نتیجه می‌گیریم تمامی شاخص‌های (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) مؤثر بر کیفیت زندگی عشایر ایل بختیاری شهرستان لالی در بیلاق و قشلاق کمتر از متوسط (۳) بوده است و نشان‌دهنده عدم رضایت ساکنین شاخص‌های مورد بررسی بر کیفیت زندگی‌شان می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت آموزش به دلیل وجود مدارس دارای بافت فیزیکی فرسوده، پایین بودن مقاومت مصالح بکار گرفته‌شده در مدارس در مقابل حوادث طبیعی و حداقل تسهیلات لازم آموزشی از جمله آزمایشگاه و سایر تجهیزات، پایین بودن سطح رضایت از نحوه تدریس معلمان، نامناسب بودن سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی و پایین بودن امکانات مالی مدارس بسیار پایین ارزیابی شده است.

همچنین یافته‌های تحقیق مبین پایین بودن سطح کیفیت اشتغال و درآمد است به‌طوری‌که بیشتر جامعه نمونه به دلیل پایین بودن درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، عدم توانایی و دسترسی به وسایل مکانیزاسیون و در نتیجه پایین بودن راندمان تولید در واحد سطح، عدم بهره‌گیری مناسب از خدمات اعتباری برای انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، پایین بودن تنوع شغلی در روستاها و عدم رضایت از نوع شغل خود به جهت وجود مشکلاتی که در طول یک سال کاری با آن مواجه بوده که در نهایت درآمد و پس‌انداز ناچیزی را عاید آن‌ها می‌سازد احساس نارضایتی نموده و به آینده و پیشرفت شغلی خود امیدوار نیستند. بنابراین از آنجاکه پایه اقتصادی عشایر کوچ‌نشین متکی بر مرتع است، هر نوع تغییر و تحول در قلمرو مراتع عشایری، بر زندگی عشایر کوچ‌نشین تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر خواسته شود در عین بهره‌برداری حداکثر مراتع، از انهدام آن‌ها جلوگیری شود، باید تعادل بین دام و مرتع عشایری برقرار گردد در این صورت تعداد دام و به تبع آن تعداد جمعیت عشایر کوچ‌نشین باید با پتانسیل بهره‌برداری از مراتع عشایر متناسب باشد. اقتصاد جوامع عشایر بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند و بز استوار است و پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتع، پس چرا اراضی زراعی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش متکی است؛ لذا برای تأمین علوفه مورد نیاز، حرکت و نقل مکان بین مراتع بیلاقی و قشلاقی ضرورت می‌یابد. از آنجاکه بخش عمده هزینه‌های پرورش دام را هزینه‌های تغذیه تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری از مراتع موجب کاهش هزینه‌های پرورش و سبب افزایش بازده اقتصادی این شیوه معیشتی می‌شود؛ لذا بهتر است در هر منطقه دام متناسب با آن پرورش داده شود. بز باعث ریشه‌کنی مرتع می‌شود اما چون شیر بیشتری نسبت به گوسفند دارد عشایر

مبادرت به پرورش این نوع دام می‌کنند. بز بیشتر مناسب کوه و زمین‌های با شیب زیاد است و بهتر آن است که در مراتع با شیب کم گوسفند پرورش داده شود.

علاوه بر این یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت گذران اوقات فراغت نیز به دلیل فقدان امکانات ورزشی، فرهنگی و هنری از جمله کتابخانه عمومی و سالن و زمین ورزشی در سطح بسیار اندکی ارزیابی شده است. همچنین یافته‌های توصیفی و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که کیفیت محیط مسکونی در جامعه نمونه به دلیل وجود بافت قدیمی و فرسوده مسکن و عدم استفاده از مواد و مصالح مقاوم، پایین بودن کیفیت واحدهای مسکونی به لحاظ شکل و فرم زیبایی معماری، عدم جدایی محل نگهداری دام با محل زندگی ساکنین و همچنین وجود حیوانات موزی در محل زندگی آن‌ها در سطح پایینی قرار دارد؛ و اما کیفیت زیرساخت‌ها به دلیل فقدان راه ارتباطی مناسب و وسایل حمل‌ونقل عمومی، عدم دسترسی به خدمات مالی و اعتباری مانند بانک و صندوق قرض‌الحسنه، کمبود خدماتی مانند فروشگاه تعاونی، نانوايي و تعمیرگاه ماشین‌آلات، جایگاه توزیع مواد سوختی و از همه مهم‌تر عدم برخورداری از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی در بسیاری از روستاها بسیار ضعیف ارزیابی شده است. همچنین یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که کیفیت محیطی در سطح روستاهای مورد مطالعه بسیار پایین است به طوری که مطالعات میدانی نگارنده هم در تأیید این امر است، به گونه‌ای که در اکثر روستاهای مورد مطالعه جایگاه دفن زباله و فضولات حیوانی وجود نداشته و فضولات حیوانی و زباله‌ها در سطح محدوده مورد مطالعه پخش می‌باشند و در تابستان با شروع فصل گرما بوی حاصل از این فضولات باعث آزار و اذیت ساکنین می‌شود. علاوه بر این به علت نبود روش‌هایی برای دفع آب‌های سطحی در فصول مختلف به ویژه در فصل زمستان منجر به بروز مشکلات متعددی برای ساکنین محدوده مورد مطالعه می‌شود.

اما در مقابل از میان مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی فقط کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی به دلیل وجود روابط صمیمانه میان اعضای خانواده‌ها، روابط صمیمانه میان همسایگان، پایبندی به آداب و رسوم، شرکت ساکنین در مراسم عزاداری و شادی و همچنین مشورت و همکاری کردن ساکنین در مواقع ضروری بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

در پایان نظر جامعه نمونه را در مورد سطح کیفیت زندگی آن‌ها همان گونه که در جدول (۱۰) آورده شده است منعکس کرده‌ایم که هیچ کدام از ساکنین سطح کیفیت زندگی خود را چه در قشلاق و چه در بیلاق خیلی خوب ندانسته‌اند و اکثر آن‌ها از سطح کیفیت زندگی‌شان ناراضی بوده‌اند. در این راستا بر اساس یافته‌های پژوهش راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- توجه به اینکه نقش اقتصادی غالب منطقه کشاورزی و دامداری بوده و توسعه در این زمینه نیاز به توسعه خدمات جانبی و توسعه کشاورزی را می‌طلبد لذا ایجاد تعمیرگاه‌های ماشین‌آلات کشاورزی، مراکز دامپزشکی، خدمات بانکی در هریک از مراکز دهستان‌ها امری ضروری است؛

- ایجاد اشتغال از طریق احیای صنایع دستی و مهارت‌های بومی برای عامه روستاییان و عشایر؛

- ایجاد انگیزه پیشرفت و آینده‌ای روشن از طریق فعالیت‌های اشتغال‌زایی و درآمدزایی با ایجاد فرصت‌های جدید از طریق صنایع وابسته به کشاورزی، گردشگری و توسعه صنایع تبدیلی؛

- لزوم ارتقاء درآمد و ایجاد امنیت شغلی برای عشایر به‌عنوان یکی از فاکتورهای تأثیرگذار بر کیفیت زندگی؛

- مشارکت دادن عشایر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی عشایر؛

- افزایش امکانات آموزشی و کمک‌درسی در میان دانش‌آموزان عشایر و کمک به فراگیری بهتر آن‌ها؛

- سیاست‌گذاری جهت توانمندسازی عشایر برای مشارکت در طرح فعالیت‌ها و ارزشیابی برنامه‌های زیر بنایی کشاورزی و توسعه روستایی؛

- تقویت امکانات بهداشتی و درمانی (درمانگاه، داروخانه، پزشک عمومی و پزشک خانواده) و دسترسی آسان به این مراکز توسط دولت؛

- انجام مطالعات جامع در مورد منابع مادی و انسانی موجود در مناطق مورد مطالعه؛

- ارتقاء سطح برخورداری از خدمات آموزشی - بهداشتی، ارتباطی و ... با توجه به ویژگی‌های جامعه عشایری از نظر مشکلات دسترسی به امکانات زیر بنایی و خدماتی؛
- جهت‌گیری برنامه‌های توسعه به سمت تحول اقتصادی و رفع مشکل بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید؛
- جذب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و کشاورزی در جهت استفاده از نیروی کار؛
- تعیین برنامه زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنان و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف موردنظر؛
- تمرکز عمده برنامه بر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری صنعتی و نیمه‌صنعتی به منظور رفع مشکل بیکاری و درآمد مردم؛
- توجه به رویکرد جامع (نگرش سیستمی) و راهبرد توسعه پایدار برای تدوین برنامه‌ها، در راستای ارتقاء شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی، محیطی جامعه عشایر؛
- گسترش طرح‌های عمرانی و استفاده از کمک نیروهای مردمی؛
- پخش آئین‌ها و مراسم‌های خانوارهای عشایر در رسانه‌های عمومی جهت ترویج و فرهنگ‌سازی آن.
- جذب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و کشاورزی در جهت استفاده از نیروی کار بومی عشایر؛
- ساماندهی و مدیریت کوچ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی بر مبنای اصول فنی، نظام مشارکت، مدیریت محلی و دانش بومی عشایر؛
- توسعه مطالعات کاربردی برای مدیریت جامع (یکپارچه) عرصه‌های منابع طبیعی و حوضه‌های آبخیز در قلمروهای عشایر به منظور حفاظت، اصلاح، احیا و بهره‌برداری بهینه از منابع و کاهش اثرات بلاهای طبیعی؛
- تأمین عدالت اجتماعی با رفع محرومیت از مناطق عشایری و تعدیل نابرابری‌های موجود بین جامعه عشایری با جامع شهری و روستایی.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه شهید چمران اهواز از آن دفاع شده است.

منابع

- امیدی، رضا. (۱۳۸۶). کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی تهران.
- امینی، عباس و روز فراخ، زهره. (۱۳۹۷). ارزیابی پیامدهای اسکان جامعه عشایری شهرستان بویراحمد در کانون‌های دشت روم. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۴(۱)، ۱۸۵-۱۹۷. https://www.iaeej.ir/article_68890.html
- بریمانی، فرامرز؛ جعفری، مهدی و بلوچی، عثمان. (۱۳۹۲). سنجش و تحلیل کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان مهبان، شهرستان نیک شهر). چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، ۸(۲۳)، ۵۴-۴۱.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1032598>
- پاکرا، محمد؛ پورهاشمی، عباس و پروین، محمدرضا. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی توسعه پایدار مناطق عشایری کشور از منظر قواعد حقوقی و برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب اسلامی. تحقیقات جغرافیایی، ۳۵(۲)، ۱۱۵-۱۰۵.
- <http://dx.doi.org/10.29252/geores.35.2.105>
- جمشیدی، علیرضا؛ صیدایی، سید اسکندر؛ جمشیدی، معصومه و جمینی، داود. (۱۳۹۲). تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول). برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۱۲)، ۸۳-۹۲.
- https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_318.html
- جواهری، فاطمه؛ سراج زاده، سید حسین و رحمانی، ریتا. (۱۳۸۹). تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۲)، ۱۶۲-۱۴۸.
- https://jwdp.ut.ac.ir/article_20840.html

- حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). عنوان تحلیلی در شیوه زندگی و تأثیر آن در نظام سکونتگاهی آن‌ها در طول مسیر کوچ و قرارگاه‌های تابستانه و زمستانه (مطالعه موردی: عشایر بویراحمد). مسکن و محیط روستایی، ۳۹(۱۶۹)، ۸۸-۷۳.
- <http://dx.doi.org/DOI:%2010.22034/39.169.73>
- دامن باغ، صفیه. (۱۳۹۲). تحلیل جغرافیایی شاخص‌های منتخب کیفیت زندگی شهری در اهواز (نمونه موردی: محلات کیانپارس، گلستان و عامری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز، اساتید راهنما: ناهید سجادیان و مرتضی نعمتی.
- دهقانی، امین و عادل، محسن. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی معیارهای پایداری در کانون‌های اسکان عشایری مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری در استان‌های فارس و اصفهان. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه انسانی، ۱۰(۳۲)، ۵۷-۳۷.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1032622>
- رضوانی، محمدرضا؛ متکیان، علی‌اکبر و منصوریان، حسین. (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱(۲)، ۱۱۰-۸۷.
- https://urs.ui.ac.ir/article_19942.html
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ فتاحی، احدالله و حاجی پور، مجتبی. (۱۳۹۰). ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان دلفان). پژوهش‌های روستایی، ۲(۲)، ۹۴-۶۹.
- <https://www.sid.ir/paper/363591/fa>
- سلیمانی، محمد؛ منصوریان، حسین و براتی، زهرا. (۱۳۹۲). سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذر شهری (مطالعه موردی: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران). جغرافیا، ۱۱(۳۸)، ۸۵-۵۱.
- https://mag.iga.ir/article_705202.htm
- سنایی مقدم، سروش؛ رحمانی، بیژن و مرید السادات، پگاه. (۱۳۹۰). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان پشته زیالی، کهگیلویه و بویراحمد). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۵(۴)، ۱۰۶۸-۱۰۴۹.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1031918>
- سنایی مقدم، سروش و محمدی یگانه، بهروز. (۱۳۹۶). تحلیل جغرافیایی بر نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی خانوارهای عشایری (مطالعه موردی: ایلنوی، طایفه زیالی، شهرستان چرام، کهگیلویه و بویراحمد). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۲)، ۳۵۵-۳۳۹.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jshsp/Article/1030752/FullText>
- صدیایی، سید اسکندر. (۱۳۸۹). بررسی مسائل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب). تحقیقات جغرافیایی، ۲۵(۲)، ۱۶۶-۱۳۹.
- https://jgr.ui.ac.ir/article_17865.html
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران. رفاه/اجتماعی، ۸(۳۰)، ۳۳-۹.
- <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1916-fa.html>
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی. تهران: نشر شیرازه.
- فرجی ملایی، امین. (۱۳۸۹). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و برنامه‌ریزی برای بهبود آن (مطالعه موردی: شهر بابلسر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- قالیباف، محمدباقر؛ رمضان زاده، مهدی و یاری شگفتی، اسلام. (۱۳۸۸). سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی (مطالعه موردی: بخش نوسود استان کرمانشاه). روستا و توسعه، ۱۲(۳)، ۱۸۴-۱۶۳.
- http://rvt.agri-peri.ac.ir/article_59231.html
- ماجدی، سید مسعود و لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی؛ مطالعه موردی در روستاهای استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه، ۹(۴)، ۹۱-۱۳۹.
- <https://www.sid.ir/paper/94900/fa>
- نوروزی، اصغر و محمودیان، فرزاد. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته (مطالعه موردی: شهرستان کوه‌رنگ). فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۵(۱۹)، ۳۸-۱۷.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287485.1394.5.4.2.9>
- Foo, T.S. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998). *Habitat International*, 24(1), 31- 49. [http://dx.doi.org/10.1016/S0197-3975\(99\)00026-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0197-3975(99)00026-0)
- Gragi, I., Žimbek, T., Tratnik, M., Markovina, J., & Juračak, J. (2010). Quality of Life in Rural Areas of Croatia: To stay or to leave? *African Journal of Agricultural Research*, 5(8), 653-660. <http://www.academicjournals.org/AJAR>
- Lauer, R.H., & Lauer Jeanette, C. (2010). *Social Problems and the Quality of Life*. McGraw-Hill Humanities/Social Sciences/Languages; 12 edition
- Stewart, F. (1996). *Basic needs, Capability and human development*. Oxford University press.
- Yembuu, B. (2016). *Everyday Knowledge, Education and Sustainable Futures*. (Chapter 7: Mongolian Nomads: Effects of Globalization and Social Change). Springer.

ZielinskaWczkowska, H., & dziora-Kornatowska, K. W. (2010). Evaluation of Quality of Life (QoL) of Students of the University of Third Age (U3A) on the Basis of Sociodemographic Factors and Health Status. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 53(2), 198-202. doi: 10.1016/j.archger.2010.09.003. Epub 2010 Oct 12.

How to cite this article:

Soltani, Z., Goodarzi, M., & Soleimani Babadi, S. (2024). Comparative Study of Quality of Life Indicators of Nomads in Summer Quarters and Winter Quarters of Tribe Bakhtiari (Case Study: Nomads of Lali County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(4), 97-116.

ارجا به این مقاله:

سلطانی، زهرا؛ گودرزی، مجید؛ و سلیمانی بابادی، صادق. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی عشایر در بیلاق و قشلاق ایل بختیاری (مطالعه موردی: عشایر شهرستان لالی). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹ (۴)، ۹۷-۱۱۶.